

مجموعه تاریخ برای نوجوانان (۳۹)

چین سنتی

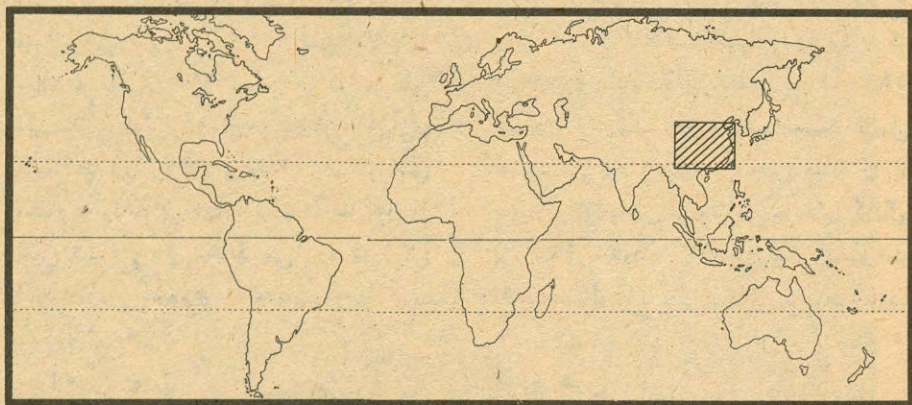
ایزلی دونکاستر
ترجمه باجلان فرخی



مجموعهٔ تاریخ برای نوجوانان (۳۹)

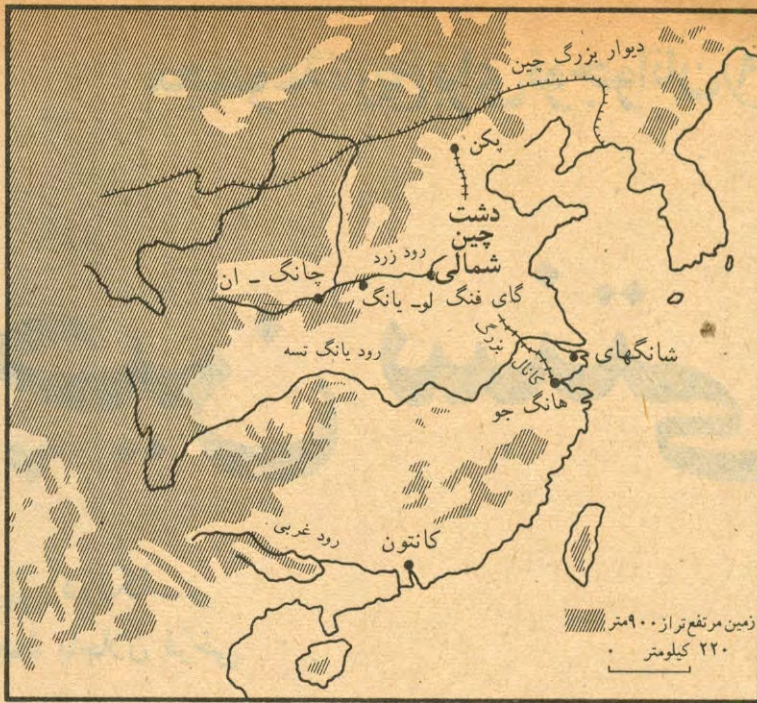
چین سنتی

ایزلی دونکاستر
ترجمهٔ باجلان فرّخی



زنگنه‌ها مارپار

تهران، ۱۳۵۹



کوه‌ها و رودهای چین

راه‌های آبی نقش مهمی را در تاریخ چین اجرا کرده‌اند. دره رود زرد مرکز امپراتوری‌های آغازین چین بود. ۱۸۰۰۰ کیلومتر از بستر رود یانگ تسه قابل کشتیرانی بود و سواحل چین میانه را با بسیاری از مناطق مربوط می‌ساخت. کانال بزرگ در حدود ۱۳۰۰ سال پیش ایجاد شد تا چین میانه را با چین شمالی مربوط سازد.

مردم چین

اقلیت‌های چینی یعنی مغولان، تبتی‌ها و برخی از اقوام دیگر در مراتع کوهستانی و دامنه‌ها به دامداری و کشاورزی اشتغال دارند و ۹۴٪ از مردمان این سرزمین چینی هستند. در حال حاضر جمعیت چین در حدود ۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰ نفر

در این دفتر از زندگانی مردمان امپراتوری چین، از ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد تا سال ۱۹۱۱ سخن می‌گوئیم. طی این مدت طولانی، سرزمین چین روزهای صلح‌آمیز و روزگار پر از جنگ و سختی‌های بسیاری را در پی نهاد؛ گذشت سال‌ها، از چین کشوری را به‌خاطر می‌آورد که گوئی استوارترین کشورها است.

سرزمین چین

چین کشوری بزرگ و وسعت آن چهل برابر خاک بریتانیا است. بخش بزرگی از غرب چین پوشیده از کوه‌ها و صحاری است، و حاصلخیزترین و پر جمعیت‌ترین مناطق چین در دشت‌ها و دره‌های رودهای چین شرقی قرار دارند.

و يك چهارم جمعيت جهان است.

كشاورزی

اکثریت چینیان روستانشین و به کشاورزی و تولید مواد غذایی اشتغال داشتند. غذای مردمان چین شمالی از کشت غلات، و غذای مردمان چین میانه و جنوبی از کشت برنج تأمین می‌شد. سفره ثروتمندان و مردمان نیمه مرفه نسبت به سفره کشاورزان رنگین‌تر بود و غذای آنان از سوپ غلیظی که از ترکیب برنج،

سبزی، گوشت یا گوشت ماهی درست می‌شد و نیز نوعی ماکارونی (رشته آمیخته به تخم مرغ)، نوعی شیرینی و شراب زرد برنج تشکیل می‌شد. کشت برنج با فراهم بودن آب و آبیاری منظم میسر است و بدین دلیل بود که چینیان در آبیاری به روش‌های جدیدی دست یافتند (س ۱)* درو کردن برنج با درو غلات دیگر تفاوت داشت؛ بعد از خشکاندن مزرعه، خوشه‌های برنج را با داس یا نوعی چاقوی کج می‌بریدند و

* س به معنی سند و اشاره است به اسناد پایان کتاب.



شخم کردن شالیزار، از يك نقاشی قرن هفدهمی



ظرف مفرغی، مخصوص مراسم آئینی، از سلسله جو ۱۰۲۷-۷۷۱ ق.م



آویز یشم به شکل اژدها

نجات می‌دادند و مردمان فقیر و کشاورزانی که با زمین‌های اندک خود نمی‌توانستند مازاد تولید داشته باشند از گرسنگی نابود می‌شدند (س ۲).

مهارت‌های سنتی

چینیان در سراسر آسیا به مهارت در فنون شهرت داشتند و قرن‌ها پیش از اروپا، به پیشرفت‌های بزرگی در زمینه فنون دست یافتند.

ریخته‌گری مفرغ

صنعتگران چین نزدیک به ۳۰۰۰ سال پیش با استفاده از آلیاژ مذاب مس و قلع و قالب‌گیری آن به ساختن ظرف‌های بزرگ و تزئین شده پرداختند و یکی از کهن‌ترین ملت‌هایی بودند که با چگونگی ریخته‌گری مفرغ آشنا شدند.

ساقه‌های بریده شده را برای جدا کردن شلتوک از خوشه می‌کوبیدند و برای جدا کردن دانه برنج از شلتوک نیز باید دانه‌ها را در هاون می‌کوبیدند تا پوسته برنج از آن جدا شود.

خشکسالی و قحطی

آب و هوای چین غیر قابل اعتماد و گاهی نباریدن باران خشکسالی‌های بزرگی را موجب می‌گردد که قحطی و گرسنگی را در پی دارد.

گاهی نباریدن باران مزارع را پژمرده و نابود می‌کرد و گاه توفان همه چیز را به‌ویرانی می‌کشید. در شرائط غیرعادی و در خشکسالی‌ها زمینداران بزرگ و ثروتمندان با استفاده از مواد غذایی ذخیره شده و اتکا به انبارهای خود و یا خرید آن از بازار پیش از آن که نایاب شوند خود را

تراشیده از یشم در گور مردگان بر این عقیده بودند که مرده را در سفر به جهان دیگر یاری و پاسداری می‌کنند.

ابریشم

نخ ابریشم از پیله کرم ابریشم یعنی وسیله‌ئی که کرم ابریشم از آن برای نهان شدن و دگردیسی بهره می‌گیرد به دست می‌آید و نخستین بار چینیان بیش از ۲۰۰۰ سال پیش با چگونگی استفاده از پیله کرم ابریشم و به دست آوردن نخ ابریشم برای پارچه‌بافی آشنا شدند. لباس ثروتمندان چین و بادزئی که با خود همراه داشتند از

مردمان چین یشم را از دیرباز می‌شناختند و این نوع از سنگ معدنی برای آنان بسیار پربها بود. سنگ یشم در چین کمیاب بود و برای به دست آوردن آن به آسیای میانه و سرزمین‌های خارج از مرز چین سفر می‌کردند و در تراش دادن این سنگ مهارت کامل داشتند. در چین باستان در بسیاری از مراسم سنتی از سنگ یشم استفاده می‌کردند: عسای امپراتور چین از یشم بود و حتی بعد از مرگ نیز از یشم بهره می‌گرفتند و با نهادن مجسمه یا اشیاء



باز کردن پیله ابریشم و کلاف کردن آن، از يك نقاشی قرن هفدهمی



دو نمونه از چینی آلات چین

دستی کلاف‌های رنگ شده را به پارچه‌های ساده ابریشمی تبدیل می‌کردند و در برخی از نمونه‌ها، پارچه‌ها را برای زیبایی بیشتر برودری دوزی می‌کردند.

چای

بوته‌های چای در دامنه کوه‌های چین میانه می‌روئید. مردمان چین نخستین کسانی بودند که از بوته‌های خشک شده چای برای درست کردن چای نوشیدنی بهره گرفتند و چند صد سال بعد بودکه اروپائیان نوشیدن چای را از چینیان یاد گرفتند. چینیان چای را در قوری‌های کوچک دم می‌کنند و برخلاف اروپائیان آن را بدون استفاده از شیر و شکر می‌نوشند.

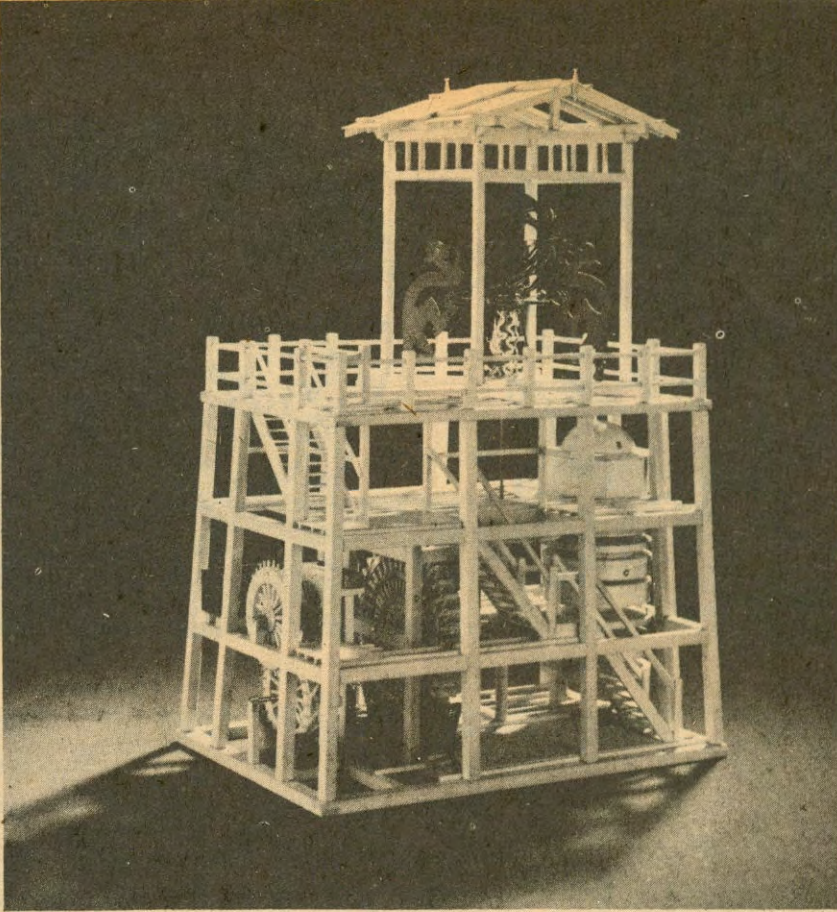
چاپ

در چین کاغذ را از خیزران می‌ساختند؛ ۶۰۰ سال پیش از اختراع چاپ در اروپا، نوعی چاپ باسمه‌ئی در چین ابداع شد. دو قرن بعد از ابداع چاپ

ابریشم بود و نقاشان هنرمند چینی بر ابریشم نیز نقاشی می‌کردند. بازرگانان چین حتی پیش از قدرت یافتن رومیان عدل‌های پارچه‌های ابریشمی را توسط چهارپایان و از طریق جاده ابریشم به سراسر آسیا و قسمت‌هایی از اروپا حمل می‌کردند.

تولید ابریشم از چین میانه و منطقه‌ئی که درخت توت در آن می‌روئید آغاز شد؛ کرم ابریشم از برگ درخت توت تغذیه می‌کند و با رشد یافتن [برای دگرذیسی و تبدیل شدن به پروانه] پیله‌ئی به‌گرد خود می‌تند. چینیان پیله‌های ابریشم را در آب گرم می‌نهادند و با کشتن کرم و نرم کردن و گشودن پیله‌ها و کلاف کردن آن از نخ ابریشم برای پارچه‌بافی استفاده می‌کردند.

پیشه‌وران ماهر چینی کلاف‌های ابریشم را با مواد رنگینی که از گیاهانی چون نیل به‌دست می‌آوردند رنگ می‌زدند و بافندگان چینی با دستگاه‌های بافندگی



ساعت ماشینی سوسونگ

ساخته می‌شد و از قرن چهاردهم میلادی به بعد چینی‌های سفید و آبی رنگ و بعد از آن چینی‌های رنگارنگ تولید شد. رایج‌ترین نمونه‌های این ظروف شامل گلدان، قوری، فنجان چای، سرویس برنج خوری و جام شراب و نقش‌های آن از تصاویر گل، پرند، اژدها، ماهی و گاه منظره تشکیل می‌شد.

علم

دانشمندان و هنرمندان چین [قرن‌ها پیش] بسیاری از ابزار پیچیده و استادانه علمی را تولید می‌کردند. زلزله‌نگار نخستین

باسمه‌ئی این نوع از چاپ کامل شد و حروف و نشانه‌هایی ساخته شد که می‌توانستند آن‌ها را تغییر دهند و نیازی به کندن کاری صفحه چوبی نبود.

ظروف چینی

چینیان نزدیک به هزاران سال پیش ساختن ظروف سخت و ظریف چینی را فرا گرفتند این نوع از دست ساخته‌های چینی به سراسر آسیا و اروپا صادر می‌شد. بسیاری از نمونه‌های قدیمی و گرانبهای چینی را در عتیقه‌فروشی‌ها و موزه‌های هنرهای زیبا می‌توان یافت. قدیمی‌ترین ظروف چینی به رنگ‌های کرم یا سبز پریده

بار در سال ۱۳۲ میلادی در چین ساخته شد. دستگاه زلزله‌نگار چینی عبارت از دستگاهی بود که در چهار جهت اصلی آن چهار آونگ و در انتهای هر آونگ يك گلوله فلزی قرار داشت؛ در زیر هر آونگ مجسمه وزغی دهان گشوده نصب شده بود که با وقوع زلزله گلوله انتهای آونگ رها می‌شد و در دهان وزغی که در آن جهت زلزله روی داده بود می‌افتاد، و بدین سالن جهت وقوع زلزله مشخص می‌شد.

چینیان [نخستین اقوامی بودند که] از نیروی آب باروش‌های گوناگون به‌جای نیروی انسان بهره می‌گرفتند. آب‌دنگ وسیله‌ئی بود که با نیروی آب حرکت می‌کرد و از آن برای کوبیدن برنج و جدا کردن شلتوک استفاده می‌کردند؛ نوعی دم آهنگری نیز ساخته شده که بازو بسته شدن آن با نیروی آب انجام می‌گرفت، و در سال ۱۰۸۸ میلادی سوسونگ ساعت ماشینی عظیمی درست کرد که با نیروی آب کار می‌کرد.

طب و داروسازی

پزشکی نیز در چین دارای ویژگی‌های خاص چین بود. پزشکان چینی از گیاهان، حیوانات، و مواد معدنی برای ساختن انواع قرص و روغن‌های درمانی استفاده می‌کردند. نوعی دیگر از پزشکی در چین طب سوزنی بود. هر طبیب برای مداوای بیماران با طب سوزنی جدول ویژه‌ئی داشت که در آن مناطق حساس بدن و مراکز کنترل بخش‌های مختلف تن مشخص شده بود و برای درمان، طبیب سوزن را در نقطه‌ئی از تن بیمار فرو می‌کرد که با عضو بیمار او مربوط می‌شد. طبیب از این طریق با فرو کردن و چرخش سوزن در

فواصل منظم مراکز حساس بدن بیماری را کنترل و برخی از بیماری‌ها را درمان می‌کرد. این گونه از مداوا هنوز هم در چین رواج دارد.

دولت

امپراتور

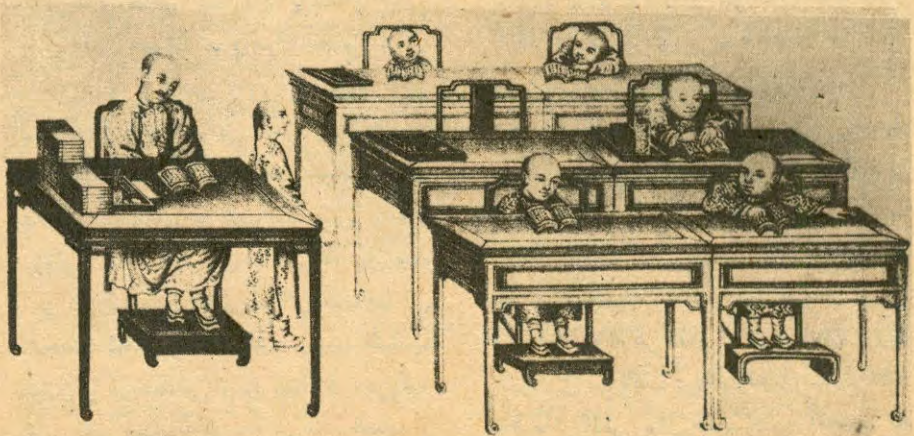
تا سال ۱۹۱۱ چین توسط امپراتوری‌ها اداره می‌شد. امپراتورهائی که در پی یکدیگر بر چین فرمان می‌راندند و از يك خانواده بودند سلسله یا سلاله‌های فرمانروائی را به‌وجود می‌آوردند؛ مشهورترین این سلاله‌های تاریخی در جدول صفحه ۲۲ و ۲۳ درج شده است. در چین امپراتور را پسر آسمان می‌پنداشتند و کتاب‌های کهن تاریخ چین از آن سخن می‌گویند که امپراتور از جانب آسمان رسالت داشت تا بر مردم فرمان براند. [و همیشه چنین بوده است که امپراتوران و پادشاهان خود را نماینده آسمان یا خدا می‌نامیدند تا بتوانند مردمان بینوا را از شورش و سرپیچی از فرمان خود بازدارند، چنان که در ایران ما نیز چنین بود و پادشاهان ایران خود را ظل‌الله (سایه خدا) یا دارای فرّ ایزدی می‌پنداشتند]. در چین چنین می‌پنداشتند که امپراتور تا زمانی که «خردمندان» بر مردم فرمانروائی کند رسالت آسمان را حفظ می‌کند و زمانی آسمان از او روی برگرداند این رسالت به‌دیگری واگذار می‌شود. [و این نیز تدبیری بود برای موجه نشان دادن قدرت طلبی قدرتمندان که هر کدام که از دیگری قدرت بیش‌تری می‌یافت فرمانروا را برکنار و خود به‌فرمانروائی برمی‌خاست و آنجا که فرمانروائی منافع ثروتمندان و قدرتمندان را



گروهی از کارگزاران فرهیخته دربار مینگ

مطلق بود و فرمان‌های او توسط کارگزاران امپراتوری اجرا می‌شد (س ۵). و از پارلمان یا مجلسی که این فرمان‌ها را مورد بررسی قرار دهد خبری نبود. امپراتور چین دارای قدرت و ثروت بی‌حد و با خانواده خود در کاخی بزرگ که در پیرامون آن کارگزاران

حفظ نمی‌کرد در مخاطره قرار می‌گرفت. فیلسوفان چینی و از آن جمله کنفوسیوس (از ۵۵۱ تا ۴۷۹ ق.م) و منسیوس (از ۳۷۲ تا ۲۸۹ ق.م) از چگونگی فرمانروائی فرمانروایان سخن گفته‌اند (س ۴). در این گونه از حکومت‌ها، امپراتور فرمانروای



مدرسه چینی، حدود سال ۱۸۵۰

بلند پایه، خدمتکاران و پاسداران زندگی می‌کردند اقامت داشت و هر کس که به نزد آنان راه می‌یافت باید تعظیم و سجده کند.

شورش

به‌هنگام رواج فساد و قحط‌سالی، مردمان طغیان می‌کردند و با پیدائی جنگ داخلی چنین پنداشته می‌شد که به‌سبب بدی فرمانروائی، امپراتور رسالت آسمان را از دست داده و مردم فرمان یافته‌اند علیه او عصیان کنند. تاریخ چین گویای عصیان‌های بی‌شمار دهقانانی است که توسط کارگزاران ناراضی رهبری می‌شدند و گاه امپراتور را بر کنار و سلالة جدیدی به‌وجود می‌آوردند، اما همیشه این شورش‌ها با پیروزی همراه نبود و گاه با شکست شورش بسیاری از شورشیان به‌قتل می‌رسیدند (س ۶).

کارگزاران دولت

کارگزاران، خادمان دولت و کسانى بودند که امپراتور را در فرمانروائی بر مردم یاری می‌کردند (س ۷)، مرکز فرمانروائی در پایتخت قرار داشت و شش وزیر امپراتور را در به‌کار گرفتن کارگزاران، انجام مراسم، امور مالی، جنگ، دادگستری و خدمات عمومی یاری می‌کردند. سرزمین چین به ایالات متعددی تقسیم شده بود که هر ایالت توسط يك فرماندار اداره می‌شد و ایالات نیز به ولایت و بخش‌هائی تقسیم شده بود که توسط والیان و رؤسا اداره می‌شد. کار این کارگزاران عبارت از گردآوری مالیات و حفظ نظم و اجرای قانون بود (س ۸) و برای بررسی کار این سیستم در سراسر کشور، بازرسانی امور را مورد بررسی قرار می‌دادند.

کارگزاران دولتی توسط يك سیستم امتحانات و از طریق برگزاری مسابقه انتخاب می‌شدند (نگاه کنید به تعلیم و تربیت و کارگزاران فرهیخته در همین کتاب). شرکت در این امتحانات برای همگان آزاد بود اما معمولاً، تنها مردمان طبقه متوسط یا افراد وابسته به خانواده زمینداران بزرگ می‌توانستند از عهده تعلیم و تربیت طولانی و مورد نیاز برای شرکت در امتحانات و مدارج بالاتر برآیند. فرهیخته طبقه متوسط در چین باستان، از احترام خاصی برخوردار بود. کار این فرهیختگان به‌سختی کار کارگزاران نبود و بسیاری از آنان در اوقات فراغت به شاعری و سرودن شعر می‌پرداختند (س ۹).

مجسمه عظیم بودا در حالت نشسته در یونگ - گانگ





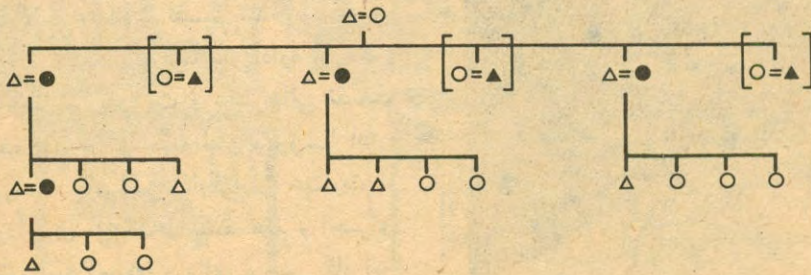
یوجو-ای* (از ۷۲۲ تا ۸۴۶ میلادی) کارگزار دولت و فرهیخته و شاعری بنام بود؛ بسیاری از نامه‌های این شاعر به‌دوستانش با شعر نوشته شده و از چگونگی گذران زندگی او یعنی از موفق شدن در امتحانات استخدای، سفرهائی که برای احراز پست‌های جدید انجام می‌داد، کارهای سخت دیوانی و دولتی که حتی مجال نوشیدن شراب با دوستان را به‌او نمی‌داد و شنیدن موسیقی در شامگاه سخن می‌گوید (س ۷).

تعلیم و تربیت

پسران خانواده‌های فرهیخته توسط

* برای شناخت این شاعر و اشعار او نگاه کنید به شعر چین دفتر اول صفحات ۸۴ تا ۸۷ و ۴۰۳ تا ۴۲۰ از انتشارات مازیار.

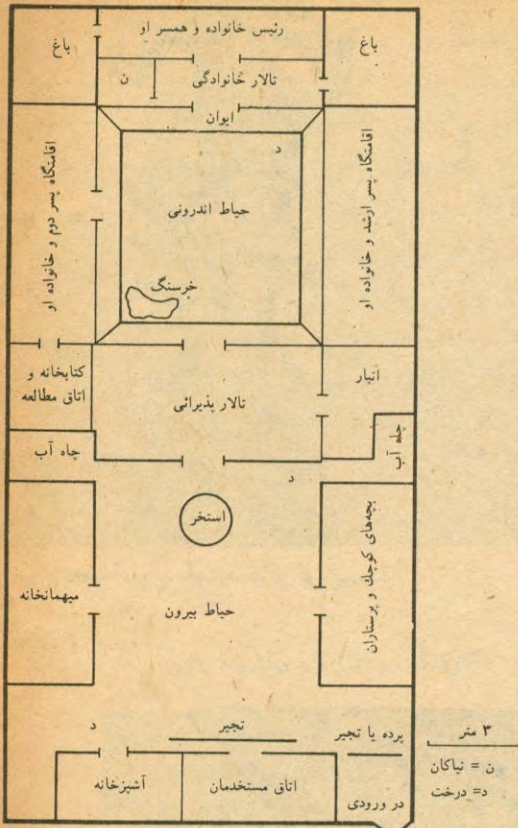
شجره‌نامه همه این افراد بخشی از يك خانواده را تشکیل می‌دهند مگر دختران که بعد از ازدواج از خانواده پدری جدا می‌شوند. هر پسری همسر خود را به‌خانه پدر و مادر می‌آورد و فرزندان او در آن خانه بزرگ می‌شدند.



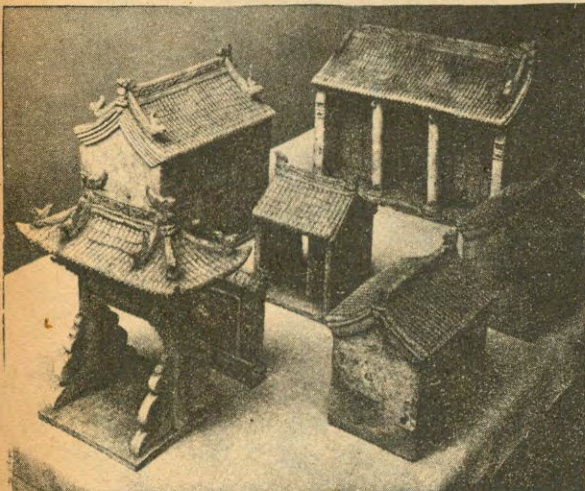
● عروس یا زن از خانواده دیگر ▲ داماد یا مرد از خانواده دیگر △ مرد ○ زن

معلم سرخانه و در يك كلاس درس خانوادگی يا مدرسه سر خانه آموزش می یافتند. معلم فردی بود که به او احترام می گذاشتند و اطاعت از دستورات او ضروری بود. دانش آموزان پسر خواندن کتاب را با حفظ کردن کتابها یاد می گرفتند و وقتی مطالب را حفظ می کردند معانی کلمات برای آنان تشریح می شد. آنان نوشتن را با رونویس کردن نشانه های کلامی و نوشته ها و با استفاده از قلم مو و مرکب و برای ساعات متوالی و طولانی یاد می گرفتند و کسانی که از حافظه و قدرت تمرکز خوبی برخوردار بودند برای شرکت در امتحانات رسمی و دولتی اعزام می شدند.

به هنگام اجرای امتحانات مدارج عالی، داوطلبان را با ذخیره غذائی، مرکب، چندین قلم و مقداری غذا در سلول های چوبی زندانی می کردند؛ در این سلول ها را تا پایان امتحانات لاك و مهر می کردند و چندین روز آنان را به حال خود رها می کردند تا مقالات و شعرهائی را که موضوع آنها مشخص شده بود با استفاده از کتاب های کنفسیوس و شاگردان او و با اتکاء به حافظه بنویسند. کسانی که در این امتحانات موفق می شدند به کار دولتی گمارده می شدند و به خدمت دستگاه دیوانی امپراتور در می آمدند. بسیاری از داوطلبان امتحانات استخدامی با وجود شرکت پی در پی در امتحانات موفق به گذراندن امتحانات نمی شدند و برخی از آنان زندگانی خود را به عنوان يك فرهیخته، معلم یا کارگزار دون رتبه در روستاها سپری می کردند (س ۱۰) و برخی از آنها به ناراضیان می پیوستند و شورش های علیه امپراتور را رهبری می کردند [و از آنجا که این افراد با طبقه



نمودار سراهائی سنتی که اندرونی و بیرونی دارند



نمونه های کوچک خانه های از درون گورها به دست آمده

زحمتکش و فقیر پیوند عمیق نداشتند یا خود را می فروختند و یا با دست‌یابی به قدرت چون قدرتمندان پیشین رفتار می کردند].

زبانی که فرهیختگان از آن برای نوشتن استفاده می کردند زبان ادبی ویژه‌ئی بود [که ماندارین یا زبان درباری نام داشت و] مردمان عادی نمی توانستند آن را درک کنند و این کار و مشکلات یادگیری نشانه‌های کلامی و نوشته‌های چینی موجب شده بود که طبقه‌ئی جدا از توده‌های دهقان و کارگران که خواندن و نوشتن را نمی دانستند به نام طبقه تحصیل کرده به وجود آید.



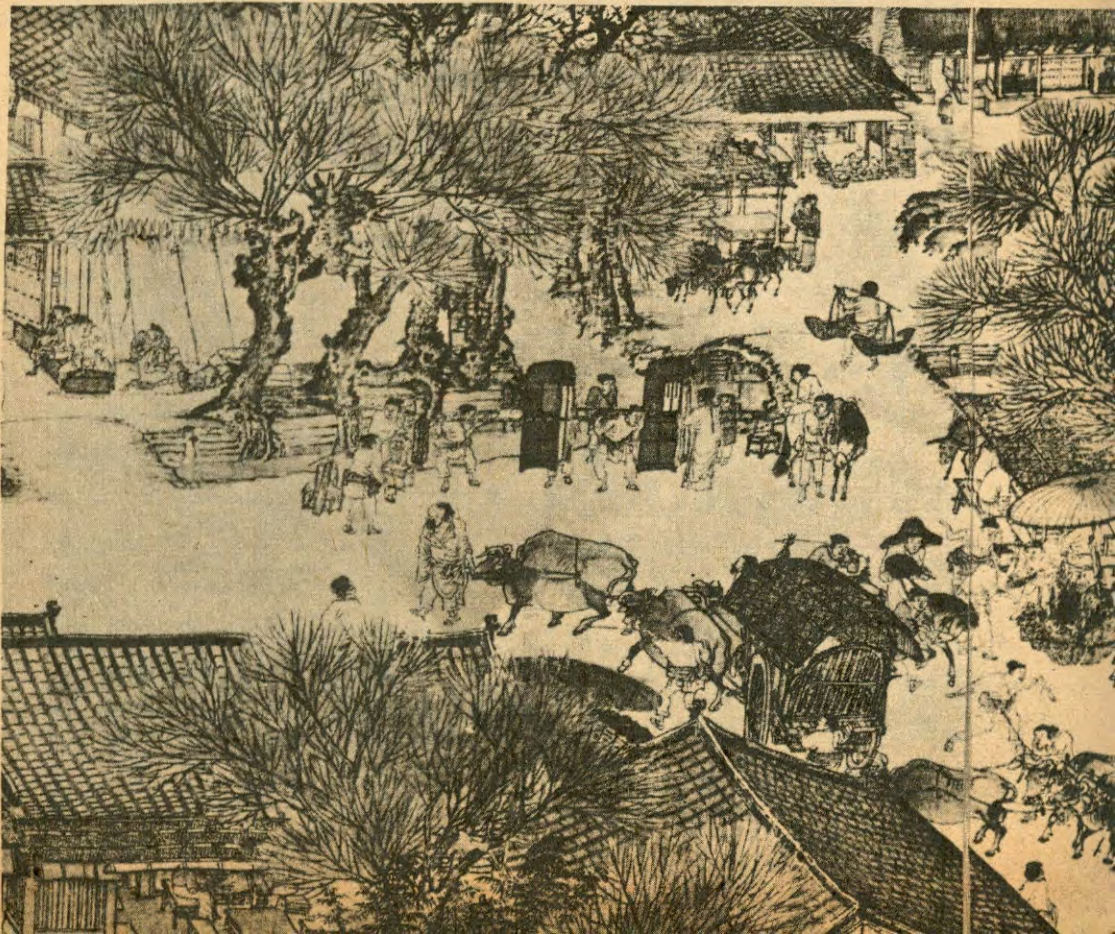
مونه‌ئی از مجسمه روح نگهبان، که از گور به دست آمده



بیماری‌های خود مشورت می‌کردند*.
 آئین بودا در حدود ۲۰۰۰ سال پیش، از هند به چین راه یافت. بعد از رواج آئین بودا در چین زائران چینی برای دستیابی به آثار بودائی و کتاب‌های مقدس بودائی به هند سفر کردند؛ در چین دیرها و معابد بسیاری برای رهروان، راهبان و راهبه‌های بودائی بنا شد و ثروت بزرگی از نقاشی‌ها و مجسمه‌های بودا و قدیسین در معابد بودائی فراهم آمد. در سال ۸۴۳ میلادی امپراتور دائوئیست چین برای * در افسانه‌های چینی و نزد عامه، رهروان دائوئیست به‌سازنده اکسیر زندگی شهرت دارند.

در چین ادیان مختلفی وجود داشت و دین خانوادگی نیز از ادیان خاصی بود که هر خانواده نیاکان خود را نیایش می‌کرد (نگاه کنید به خانواده و دین خانوادگی در همین کتاب). خانواده‌های چینی خدایان بسیاری را که از آن جمله بود خدای محلی باران و خدای آشپزخانه نیایش می‌کردند و غالباً به سبب توجه به داروهای که تصور می‌کردند موجب زندگی جاودان است رهروان دائوئیست ساکن معابد را محترم می‌داشتند و با آنان درباره درمان بسیاری از

گای‌فنگ در آغاز قرن دوازدهم میلادی



دستیابی به ثروت و یادگارهای این معابد بسیاری از آنان را ویران کرد و بودائیان را مورد آزار قرار داد (س ۱۱)، اما بودائیان چین نابود نشدند و این دین در چین پیروان بسیار یافت.

خانواده

همانند جوامع دیگر سنتی خانواده در چین یکی از مهم‌ترین نهادها است و همیشه خانواده برترین نهادی بود که فرد باید بدان و رئیس آن وفادار بماند. کنفوسیوس و منسیوس به ویژه دربارهٔ وظائف فرزندان نسبت به والدین سختگیر بودند (س ۱۲). در چین، پیرمردخانواده رئیس خانواده بود. هر کس موظف بود که از بزرگ خانواده یعنی پدر بزرگ یا پدر و دیگر بزرگان خانواده اطاعت نماید و پسر ارشد خانواده در این باره وظائف خاصی داشت (س ۱۳). و برای به دست آوردن لیاقت جانشینی پدر باید وظائف دینی خود را نسبت به نیاکان خانواده به درستی انجام دهد و درباره ازدواج برادران و خواهران و این که با چه کسی باید ازدواج نمایند، و نوع کاری که هر یک از فرزندان خانواده بدان اشتغال ورزند تصمیم بگیرد. اگر نخستین همسر هر یک از پسران بچه دار نمی شد پسر حق داشت که زن دیگری بگیرد و او را در قسمت دیگر خانه منزل دهد یا پسری را به فرزندی بپذیرد. برخی از ثروتمندان چندین زن داشتند و هر یک از زنان آنان خادمان و ندیمگان خاص خویش را داشت: دختران را به گونه‌ئی تربیت می کردند که آرام و نسبت به پدر و برادران خود مطیع باشند؛ و بعد از آن که دختر ازدواج می کرد به خانه شوهر می رفت و با خانواده شوهر

زندگی می کرد (س ۱۴) و گاهی مادرشوهر با او به بدی و خشونت رفتار می کرد (س ۱۵) و تنها بعد از آن که پسری می زائید مورد احترام خانواده شوهر قرار می گرفت. زنان خانواده‌های ثروتمند در خانه شوهر استقلال بیش‌تری از خانواده‌های تهیدست داشتند و به هنگام بیرون رفتن از خانه از پالکی‌های سرپوشیده‌ئی بهره می گرفتند که خادمان آن‌ها آن را بر دوش حمل می کردند. کار زنان ثروتمند را مستخدمان انجام می دادند و کار اندکی برای آنان باقی می ماند که انجام دهند اما زنان خانواده‌های تهیدست و زنان دهقانان کارهای خانه را خود انجام می دادند و در کار مزرعه نیز شوهر را یاری می کردند.

دین خانوادگی

اکثر مردمان چین نیاکان مرده خانواده را نیایش می کردند و مردگان خانواده برای آنان بسیار مهم بود. آنان بر این اعتقاد بودند که مردگان بعد از مرگ به جهان ارواح کوچ می کنند و بدین دلیل بعد از مرگ هر فرد لوازم مورد نیاز او را برای این کوچ فراهم می کردند. در روزگار باستان بعد از مرگ هر فرد در خانواده‌های ثروتمند تعدادی خانه‌های کوچک سفالی، مدل، مجسمه کوچک مستخدمان، پاسداران و حیوانات را در گور مرده قرار می دادند تا مرده را در سفر به جهان مردگان یاری نماید و در زمان بعد از این دوره بر مردگان خویش خانه‌های کاغذی، حیوانات کاغذی و پول کاغذی یا اسکناس می سوزانیدند (س ۱۶). در روز سال نو برای نیاکان مرده خویش بخور می سوزانیدند و برای آنان غذا فدی می دادند و در کنار اجاق خانه - زمانی که فکر می کردند مرده برای دیدار

ثروتمند نام نیاکان تا چندین نسل در شجره نامه خانوادگی حفظ می‌شد. نیاکان مرده عضو خانواده به‌شمار می‌آمدند و چنین می‌پنداشتند که در مراسم مهم خانوادگی چون تولد، ازدواج و تدفین اعضای خانواده شرکت می‌جویند.

شهرها

در چین باستان شهروندی گسترش یافت. وقتی مارکو پولو [سیاح و بازرگان

به‌زمین آمده است - او را خوش آمد می‌گفتند. در جشن بهار اعضاء خانواده دسته‌جمعی به گورستان می‌رفتند تا مراسم و جشن خاصی را در آنجا برگزار کنند و بر گور آنان پول کاغذی بسوزانند. در فصل پائیز برای مردگان خود لباس‌های کاغذی می‌سوزانیدند تا این لباس‌ها آنان را در زمستان گرم نگاه دارد.

در هر خانه يك محراب خاص نیاکان قرار داشت و افراد خانواده موظف بودند که از آن مواظبت نمایند و در خانواده‌های





چشم‌اندازی از آثار ما یوان، از دوره سلسله سونگ

ایتالیائی [هفتصد سال پیش شهر هانگ جو را دید از بزرگی این شهر و عظمت شهرهای چینی که برخی از آنها از بزرگترین شهرهای اروپائی بزرگتر بود دچار شگفتی شد (س ۱۶).


زبان

نظام نوشتاری چین نظامی بسیار قدیمی است. در این زبان الفبا وجود ندارد و برای بیان کلمات از نشانه‌های کلامی استفاده می‌شود. پیدائی نشانه‌های کلامی فراوانی که در «استخوان‌های پیش‌گوئی» مربوط به ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد نقر شده است و با زبان امروز چین همانندی دارد از قدمت این زبان سخن می‌گوید. کتاب‌ها و نوشته‌های چینی را همه تحصیل کرده‌های چین با وجود تفاوت لهجه می‌توانند بخوانند. هر نشانه کلامی از حرکات قلم‌مویی آغشته به مرکب شکل می‌گیرد و بسیاری از این نشانه‌ها شبیه تصاویری است که نشانه کلامی مفهوم آن را در بر دارد. این گونه از نشانه‌های کلامی به نشانه‌های تصویری شهرت دارند و آنچه در زیر می‌آید نمونه‌هایی از این گونه است:

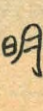
رن به معنی مرد 

گو به معنی دهان 

نشانه‌های کلامی که مفهوم ایده‌ئی را در خود دارند غالباً از دو تصویر تشکیل می‌شوند مانند:

ذو به معنی نشستن یا انجمن 

کردن که تصویر دو مرد را که بر زمین نشستند نشان می‌دهد

مینگ به معنی رخشان که نشان‌دهنده خورشید و ماه است 

تصویر شهر گای فنگ در این دفتر قسمتی از این شهر را که در سده دوازدهم میلادی پایتخت چین بود نشان می‌دهد. گای فنگ در سده دوازدهم شهری پر جمعیت بود که راه آبی آن پر از دوبه‌هائی بود که از چین میانه به گای فنگ برنج حمل می‌کردند؛ خیابان‌های این شهر پراز گاری‌هائی بود که با ورز او حمل می‌شد و تخت روان و مردانی که این تخت‌ها را حمل می‌کردند در هر کجا دیده می‌شد. در این شهر مغازه‌ها بسیار و پیشه‌وران و فروشندگان دوره‌گرد و خیابانی فروشنده غذاهای داغ و نوشیدنی‌های خنک هر يك به کاری اشتغال داشتند؛ و میکده‌ها و چایخانه‌های این شهر همیشه پر از افرادی بود که برای گپ و گوش دادن به نقلان به این مراکز روی می‌آوردند.

در قرن سیزدهم میلادی پکن جای گای فنگ را گرفت و پایتخت چین شد. پکن در واقع شامل سه شهر به هم پیوسته بود که درون یکدیگر قرار داشتند: امپراتور در کاخ با شکوه و محصور شهر میانی یا شهر ممنوع که دارای کاخ‌های محصور با بام‌های دارای سفال‌های طلایی رنگ، پلکان مرمری و باغ‌های زیبایی بود زندگی می‌کرد. شهر ممنوع در درون شهر محصور دیگری قرار داشت که جایگاه کارگزاران دولتی و پاسداران بود و این شهر نیز خود توسط شهری که بازرگانان و ثروتمندان در آن اقامت داشتند احاطه شده بود. پکن یکی از مراکز مهم تولید ابریشم، جواهرات



شکست جنگ‌های چینی، در سال ۱۸۴۱

ادبیات

ادبیات چینی بسیار غنی، گسترده و مشهور است. نمونه‌هایی از این اشعار به بسیاری از زبان‌ها و از آن جمله به فارسی برگردانیده شده است* (س ۱۴، ۷ و ۱۵). [شاعران بزرگ کهن چین چون لی‌بو، دوفو، بوجوای، لی‌هوا و بسیاری دیگر همپای بزرگ‌ترین شاعران جهان‌اند]. فیلسوفان چینی هم زمان با فیلسوفان یونانی در سده پنجم پیش از میلاد، دارای اندیشه‌ها و آثار ارزنده‌ئی بودند و مورخان چینی هم زمان با امپراتوری روم به گزارش دیوانی تاریخ چین مشغول بودند.

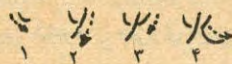
* نگاه کنید به نشر چین دفتر اول برگردان باجلان فرخی، انتشارات بازبار.

سی به معنی اندیشه که مغز را در بالا و دل را در زیر آن نشان می‌دهد



در ترسیم نشانه‌های کلامی ضربه‌های قلم برای شکل دادن هر نشانه باید با دقت و به درستی ترسیم شود مانند:

گو به معنی خسته که با چهار حرکت ترسیم می‌شود



این نشانه‌ها به صورت ستونی تا پائین صفحه نوشته می‌شوند و خواندن آن از راست به چپ و همانند خواندن زبان فارسی و برخلاف خواندن زبان‌های لاتین است.

صورتگری‌ها چنین است: فرهیخته‌نی منزوی، خانه‌ئی کوچک بر کناره دریاچه بزرگ، يك یا دو مرد ماهیگیر و درخت بيد مجنون؛ و یا جاده، رمه‌ئی که از پل کوژ کرده بر رود می‌گذرد و رود خروشان که در پیچاییچ ژرفای کوه‌های بلند گم می‌شود.

روابط چین و جهان

قرن‌ها چین از کشورهای قدرتمند آسیای شرقی بود. مردمان این سرزمین همیشه به‌راه و رسم زندگانی خویش می‌بالیدند و خود را برتر از همسایگان خویش می‌دانستند. چینیان در مرزهای شمالی خویش دیوار چین را برپا کردند و قرن‌ها آن را گسترش دادند تا از تجاوز قبائل کوچ‌نشین استپ‌های شمالی در امان باشند اما همسایگانی که آنان را ستایش می‌کردند اجازه یافتند تا از فرهنگ چین بهره بگیرند و چنین شد که بسیاری از کشورهای همسایه چین خط و نوع نوشتن چین را پذیرفتند و مجذوب فلسفه و ادبیات چین گردیدند. زائران بودائی در گسترش تمدن چین در آسیای شرقی تأثیر مهمی داشتند. چینیان انتظار داشتند که بیگانگان برتری چین را بپذیرند و برای یافتن اجازه تجارت با چین با ارسال هدایای خود برای امپراتور در برابر او تعظیم کنند و چین را محترم بدانند (س ۱۷).

چین کشوری منزوی بود و راه و رسم آن برای روی آوردن به صنعت با کشورهای اروپائی تفاوت داشت. در آغاز، چین از برخی از فنون صنعتی اروپا استقبال کرد اما انقلاب صنعتی و روی آوردن به صنایع سنگین و تولید کشتی‌های جنگی و خطوط آهن را نپذیرفت. امپراتوران چین

فرهیختگان همراه با انجام کارهای دیوانی به سرودن شعر و نقاشی نینسز می‌پرداختند و گاه نقاشی‌های خود را برای بیان اندیشه‌ئی که در آن نهفته بود با شعر همراه می‌کردند. نقاشی‌های سنتی چین در سراسر جهان مشهور و با نقاشی‌های اروپائی تفاوت داشت. هنرمندان چینی غالباً در صورتگری از مرکب بهره می‌گیرند و با قلم خود و ترکیب مرکب با آب انواع سایه‌ها را از سیاه تیره تا کم رنگ‌ترین خاکستری بر تابلوهای نقاشی خلق می‌کنند و برای ترسیم اشکال از ضربه قلم‌موهای متفاوت استفاده می‌نمایند. نقاشی‌های این هنرمندان غالباً شامل دورنماها، درختان، حیوانات، پرندگان و گل بود و غالباً مناظر را برای نمایان‌تر شدن ابعاد بر طومارهای ابریشمی و کاغذهای صاف نقاشی می‌کردند.

نقاشان چینی در ترسیم مناظر از قوانین خاص خود بهره می‌گرفتند و روال کار آنان با نقاشان اروپائی تفاوت داشت. صورتگر چینی مناظر دلخواه را از جایی مرتفع و جایی که از بالا به پائین می‌نگریست نقاشی می‌کرد، و بدین دلیل است که در تابلوهای نقاشی چینی جثه انسان در مقایسه با آنچه در پیرامون اوست بسیار خرد و گاهی چنان است که تصویر در متن نقاشی گم و به‌سختی دیده می‌شود؛ [و باز این ویژگی ناشی از آن است که نقاش و انسان چینی در دوره‌هایی خاص از زندگانی خود در جست‌وجوی پیوند با طبیعت است و بدین دلیل است که انسان در برابر بزرگی طبیعت چنین خرد نشان داده می‌شود]. نمونه‌هایی از این

نمی خواستند خود را نیازمند غرب بدانند و با آنان رابطه برقرار نمایند (س ۱۸). در قرن نوزدهم جمعیت چین به سرعت افزایش یافت و افزایش ناگهانی جمعیت [و نداشتن برنامه] مشکلات فراوانی را برای چین پدید آورد. مکانیسم دولت چین در پاسخگویی به نیازهای جدید پوسیده و فاسد بود و اروپائیان سوگو برای حمله به چین بیعی از وسعت خاک و افزونی جمعیت به خود راه ندادند و چین را مورد تهاجم قرار دادند. اندیشه مدرن کردن چین بسیار دیر اتخاذ شد (س ۱۹).

زوال امپراتوری چین

وقتی بازرگانان اروپایی برای نخستین بار به چین رسیدند با مشکل منع نفوذ بربرها یا بیگانگان در چین روبرو شدند اما با قدرت یافتن اروپا شرائط به تدریج تغییر کرد. [با آزادی تجارت با اروپائیان در کانتون] بازرگانان اروپایی با مشکل تازه‌ئی روبرو شدند: بازرگانان اروپایی خواستار تجارت با چین نمی خواستند در برابر خرید چای، ابریشم و چینی پول طلا و نقره بپردازند! و خواستار پرداخت دیون خود از طریق صادر کردن پنبه و تریاک از هند به چین بودند. وقتی چین از پذیرش تریاک این ماده و داروی خطرناک سر باز زد جنگ تریاک آغاز شد و با اعزام نیروهای بریتانیا به جنگ؛ چین در نخستین جنگ تریاک (از ۱۸۳۹ تا ۱۸۴۲) شکست خورد. در حقیقت این نبرد نه نبرد تریاک که نبرد دو تمدن سنتی و جدید بود. چین بزرگ‌ترین کشور متمدن سنتی جهان و بریتانیا نخستین کشور صنعتی جدید بود. این دو به ارزش‌های متفاوتی توجه داشتند و

رفتار آنان نیز تابع توجه به این ارزش‌ها بود. مشکل از زمانی آغاز شد که رشد تجارت جهانی، این دو کشور را روبروی یکدیگر قرار داد و بریتانیا در این نبرد بدان دلیل پیروز شد که دارای سازمان و تجهیزات جنگی بهتری از چین بود [و چین بدان علت شکست یافت که مکانیسم آن پوسیده، فاسد و از مردمان چین به دور و رو به تباهی بود]. نیروهای چینی تنها برای نبرد با دهقانان شورشی [و مردم ناراضی چین] و مهاجمان کوچ‌نشین سازمان داده شده بود و ناوگان آنها نه ناوگان جنگی که ناوگان تجارتي و تنها برای تجارت و گاه جنگ با دزدان دریائی مناسب بود.

امپراتور چین [به سبب عدم اتکا بر مردم] بعد از این شکست ناچار قراردادهای کشور فاتح را پذیرفت. با این قراردادها بریتانیا و بعد کشورهای دیگر اروپائی و ایالات متحد و ژاپن [و لاشخورهای دیگر] اجازه یافتند که در بنادر چین به تجارت بپردازند. با گذشت چند سال بسیاری از کشورها در بنادر چین اجازه تجارت یافتند و در آنها نفوذ کردند و بازرگانان بیگانه در جهت تأمین منافع خود به ایجاد جاده و خطوط آهن در چین روی آوردند.

چنین به نظر می‌رسید که سرانجام کشورهای اروپائی چین را تجزیه و آن را بین خود تقسیم خواهند کرد، اما چینیان به پا خاستند و با برانداختن امپراتوری چین در سال ۱۹۱۱ حکومت چین را جمهوری اعلام کردند و چین به نوگرایی روی آورد. پیروزی مردم چین چهل سال به طول انجامید. در طی این چهل سال جنگ داخلی با قدرتمندان و امپریالیست‌ها، مردم به تدریج آگاه‌تر شدند و سرانجام در حزب کمونیست چین وحدت یافتند. سرانجام

چین در سال ۱۹۴۹ به یک کشور کمونیستی تبدیل شد] و اگرچه راه و رسم این انقلاب به علت کارگری نبودن آن دقیقاً بر اصول مارکسیسم - لنینیسم استوار نبود و برخلاف کشور شوراها بعدها مشکلات فراوانی را

برای دولت این کشور فراهم آورد اما توانست مشکل گرسنگی و قحطی را که بزرگترین مشکل جامعه چین بود از میان بردارد] و به تدریج در نقش یک قدرت جهانی نمایان گردید.

سلسله‌های امپراتوری چین

فرهنگ و نوآوری‌ها

شانگ ۱۶۰۰ تا ۱۰۲۷ ق.م
در دره رود زرد

نوشتن؛ ریخته‌گری، مفرغ با سفال و چرخ سفالگری.

جو ۱۰۲۷ تا ۷۷۱ ق.م

سده پنجم ق.م: کنفسیوس؛ لائودزو؛ شعر؛ ریخته‌گری مفرغ؛ کنده‌کاری یشم، نقاشی بر ابریشم.

در سده هشتم ق.م: زوال امپراتوری به سبب پراکندگی ایالات

هان ۲۲۰ تا ۲۰۶ ق.م

سیستم امتحانات؛ تاریخ نگاری؛ شعر؛ ساختن دیوار بزرگ؛ کشف زلزله‌نگار؛ ورود بودیسم به چین.

وحدت امپراتوری با مرکزیت دره رود زرد

تانگ ۶۱۸ تا ۹۰۶ با مرکزیت دره رود زرد پایتخت: چان - آن، لویانگ

دوره اوج شعر؛ صورتگری و حجاری‌های بودائی؛ پیدایی شاعران بزرگ؛ چاپ با سمه‌ئی؛ ساختن کانال بزرگ.

سونگ ۹۶۰ تا ۱۲۷۹

اوج نقاشی منظره‌نگاری؛ ساختن چینی با رنگ‌های ساده؛ ساعت ماشینی؛ چاپ با حروف قابل تغییر، قطب‌نما

پایتخت در گای‌فنگ و بعد در هانگ‌جو

یوان ۱۲۷۱ تا ۱۳۶۸

چین جزئی از امپراتوری مغول می‌شود؛ دیدار مارکوپولو از چین

پایتخت در پکن

مینگ ۱۳۶۸ تا ۱۶۴۳

ساختن چینی‌های آبی و سفید؛ ساختن شهر امپراتوری در پکن؛ آغاز ورود تجار اروپائی و مسیونرهای مذهبی به چین

پایتخت در پکن

چینگ ۱۶۴۴ تا ۱۹۱۲

پایتخت در پکن

ساختن چینی‌های رنگارنگ، نفوذ اروپائیان در چین و زوال امپراتوری، شکل گرفتن جنبش‌های مردمی.

اوج گرفتن جنبش‌های مردمی و تبدیل آن‌ها از شورش به انقلاب؛ تشکل گروه‌ها؛ جنگ داخلی؛ جدائی کمونیست‌ها از گوئومین تانگ؛ راه پیمائی بزرگ کمونیست‌ها؛ جنگ با ژاپن؛ پیروزی کمونیست‌ها.

جمهوری چین

۱۹۱۲ تا ۱۹۴۹

نظام کمونیستی

جمهوری خلق چین

۱۹۴۹

[از میان رفتن قحطی و گرسنگی؛ برنامه‌ریزی؛ ارتکاب اشتباه در جدایی از اردوگاه سوسیالیسم...]

سند ۱

کشت شالی گزیده‌نی از روش کشت و رشد برنج در يك دائرةالمعارف قرن هفدهم چین

شخم

دهقانان ساعی زمین را دو یا سه بار شخم می‌زنند و با این کار کلوخه‌ها را خرد می‌کنند و موجبات جا گرفتن دانه را در زمین فراهم می‌سازند. کسانی که ورز او کاری ندارند خیش را به‌طنابی می‌بندند و با بستن سر آزاد طناب به‌دوش دو یا سه مردزمین را شخم می‌زنند. گاوهای چینی بردو نوع‌اند: گاو میش آبی و ورز او زرد. قدرت گاو میش دو برابر ورز او است اما نگهداری آن هم دو برابر نگهداری ورز او زحمت است، چرا که گاو میش را در زمستان در جای سرپوشیده و محصور و گلناک باید نگهداری کرد و در تابستان نیز باید برای آب تنی آن‌ها آبدانی را در دسترس داشت. با مقایسه بهای ورز او و مخارج غذا دادن آن فکر می‌کنم برای دهقانان فقیر نیروی انسانی از گاو مناسب‌تر است.

آبیاری

آب برای مزارع برنج مهم‌ترین چیز است. در کنار رود از چرخاب استوانه‌نی برای هدایت آب به‌مزارعی [که از رود بلندتر است] استفاده می‌کنند و روش استفاده از این دستگاه چنین است که با

بستن جلوی آب و هدایت آن به قسمت پائین چرخ آب، چرخ آب را به حرکت در می آورند، و با پر شدن ظرف های استوانه ای که به چرخ آب وصل شده است آب را در آبراهی که برای هدایت آب ساخته شده به مزرعه هدایت می کنند.

در کنار دریاچه ها و آبدان هایی که آب آن جاری نیست برای گردش چرخ آب از نیروی ورز او استفاده می کنند یا از نیروی چند مرد برای این کار و با حرکت پاهای آنان بهره می گیرند.

سند ۲

قحطی يك مسیونر انگلیسی از مشاهدات خود و قحطی شمال چین در سال ۱۸۷۰ سخن می گوید. همانند این قحطی ها در تاریخ چین فراوان بوده است

با نزدیک شدن زمستان فقر و پریشانی بیش تر می شد. از روستاها خبر می رسید که در روستاهائی که قبلاً چهل نفر در آن سکونت داشتند سی نفر مرده و تنها ده نفر زنده مانده اند. بهای غلات به سرعت افزایش می یافت و به سه تا چهار برابر نرخ آن در روزهای عادی می رسید. بسیاری از مردمانی که می شنیدند بهای گندم در منچوری ارزان است از طریق خلیج بچی هی به منچوری مهاجرت می کردند. کسانی که از عهده تأمین مخارج این سفر بر نمی آمدند مجبور بودند که خانه های خود را خراب کنند و چوب و وسایل آن را بفروشند تا بتوانند پولی به دست آورند و با خرید ارژن تن خود را چون روح خود حفظ نمایند.

در شهر بعدی با وحشتناک ترین چیزی که تا به حال دیده ام روبرو شدم. در يك سوی [دروازه شهر] توده ای از مردان مرده را مانند خوک هایی که قصابان بعد از کشتار بر روی هم تل انبار می کنند روی هم ریخته بودند و در سوی دیگر [دروازه] توده ای از اجساد زنان مرده ای قرار داشت که عریان بودند و لباس خود را وقتی زنده بودند برای خرید غذا گرو گذاشته بودند. در این منطقه تا چندین کیلومتر درختان سفیدی رامی دیدی که پوست آن ها را تا آنجا که میسر بود و تا ارتفاع سه تا شش متری کنده و خورده بودند.

سند ۳

ریخته گری زنگ مفرغی از گورها و آرامگاه های چینی سده پنجم پیش از میلاد زنگ هایی یافت شده که اندازه های آن ها مختلف و صدای آن ها متفاوت است. آنچه در زیر می خوانید گزیده ای از دائرة المعارف چینی قرن هفدهم، درباره ریخته گری زنگ با استفاده از موم است.

در زمین گودالی ایجاد می کنند و درون گودال قالب درونی زنگ را [از ترکیب ساروج و آهک] شکل می دهند. بعد از خشک شدن، قالب داخلی آن را به قطر چند سانتیمتر با پیه گاو و موم زرد می پوشانند و اگر بخواهند سطح خارجی زنگ دارای نقش یا نوشته باشد نقش ها را به صورت برآمده روی موم شکل می دهند. روی موم را به آرامی و به قطر چندین سانتیمتر با گل چسبناک و نرم می پوشانند و آن را از خارج حرارت می دهند تا موم و پیه به تدریج ذوب و از ته قالب خارج شود. حال

می‌توان زنگ را در فضای خالی ایجاد شده بین دو قالب ریخته‌گری کرد. کوره ذوب را در اطراف گودال و بالاتر از قالب می‌سازند و بوتۀ را با جوی به سوراخ فضای خالی بین دو قالب مربوط می‌نمایند. مفرغ بعد از ذوب شدن در بوتۀ مانند آب به سوی قالب سرازیر و به تدریج فضای خالی بین دو قالب را پر می‌کند. و بدین طریق زنگ را قالب‌ریزی می‌کنند.

سند ۴

حکومت خوب کنفوسیوس مشهورترین فیلسوف چین

با نیکوکار بودن فرمانروا، آنچه نیک است بدون صدور فرمان انجام می‌شود. فرمانروای بد حتی اگر فرمان دهد، از او اطاعت نمی‌کنند. منسیوس (از ۲۸۹ تا ۳۷۲ ق.م) پیروان کنفوسیوس می‌گفتند وظیفۀ فرمانروا توانگر ساختن مردم است.

اگر مردمان از معیشت خود اطمینان نداشته باشند آنان را دلی استوار نخواهد بود و خود را به هرگونه هرزگی رها می‌کنند. فرمانروای خوب وسیلۀ معیشت مردمان را فراهم می‌سازد تا بتوانند والدین و نیز زنان و کودکان خود را حمایت کنند. مردم باید اطمینان داشته باشند که در سال‌های خوب سیر می‌شوند و در سال‌های بد کسی از گرسنگی نمی‌میرد. چنین است که فرمانروا می‌تواند از مردم جویای پرهیزکاری و پیروی از فرمانروا باشد.

سند ۵

فرمان امپراتور انین (از ۷۹۳ تا ۸۶۳) زائر بودائی ژاپنی در سال‌های ۸۳۸ تا ۸۴۷ در جست‌وجوی آثار بودائی به چین سفر کرد. انین در یکی از خاطرات خود از احترام و حرمت مردمان نسبت به فرمان نورسیده امپراتور سخن می‌گوید

دو کارگزار سپاهی در جلوی دادگاه چهارپایه‌ئی نهادند و فرمان امپراتور را به رئیس دادگاه تسلیم کردند. رئیس دادگاه فرمان را گرفته و پیشانی خود را بر آنها نهاد. پس افسر سپاهی زانو زد و فرمان را گرفت و آن را به حیاط دادگاه برد و رسیدن فرمان را اعلام کرد، و افسر سپاهی و کارگزاران همه تعظیم کردند پس افسر سپاهی مردم را به تعظیم خواند و فرمان را به مردم ابلاغ کرد و مردمان به گفت‌وگو پرداختند. کارگزاران دیگر بار تعظیم کردند و رئیس دادگاه اعلام کرد «بگذارید همه ساعیانه به‌وظیفۀ خود بیاندیشند»، و کارگزاران با مردم سخن گفتند. پس رهروان بودائی و دائوئیست و آن‌گاه مردم عادی از فرمان اطلاع یافتند و از مسؤولیت خود آگاه شدند.

سند ۶

شورش از ۱۸۵۰ تا ۱۸۶۴ هونگ شیو- چوان از فرهیختگان جنوب که در امتحانات استخدامی

موفق نشده بود در سال ۱۸۵۱ خود را به هم چشمی با امپراتور، خاقان آسمانی خواند و شورش تای پینگ (قلمرو آسمانی صلح بزرگ) را شکل داد. تای پینگ‌ها، نان کینگ را اشغال کردند و هونگ شیو با روی آوردن به دهقانان به آنان وعده اصلاحات ارضی داد. برخی از نظرات هونگ شیو از مسیحیت متأثر بود. این شورش با کمک بریتانیا به امپراتور درهم شکست و بسیار از مردمان فقیر چین به قتل رسیدند. شعر زیر گویای اندیشه‌های این شورش است.

مرا سر آن است که هان (چین) را برانگیزم و منچوها را تباه کنم،
و کارگزاران فاسد را نابود کنم؛
نماینده آسمانم و سرتاختن به پایتخت [پکن] را دارم،
و شما را نیازی به گریختن به شرق و غرب نیست؛
به هر جا که سپاه بزرگ فرو می‌آید
شهروندان خوب را آزاری نخواهد بود.

سند ۷

سه شعر از يك کارگزار دولت بوجو- ای (از ۷۷۲ تا ۸۴۶) کارگزار و شاعر مشهور در شعر نخست از زندگانی و کار خود در يك ایالت دورافتاده سخن می‌گوید و در شعر دوم با مردم هانگ‌جو یعنی منطقه‌ای که از ۸۲۲ تا ۸۲۵ فرمانروای آنجا بود سخن می‌گوید. و شعر سوم در تنهائی است.

بعد از گردآوری مالیات پائیزی

از بلندای دیوارهای بلند، شهر را می‌نگرم، در زیر
شهر را و آنجا که مردمان دیار با چنان چون انبوهی از مگس‌اند.
چگونه بر این مردمان باید فرمان راند و آن‌ها را به‌راه آورد؟
وقتی حتی زبان آنان را در نمی‌یابم.
نیک است مالیات گردآوری شده
و نشان آن که در اینجا کسی ناراضی نیست؛
بیم من آن که این همه از کاردانی من نیست
آنچه هست حاصل سال خوب و حاصلخیز است.
نامه‌ها اندک و ساده و کاری دیگر نیست؛
آلاچیق من بر کناره دریاچه خلوت و خاموش است.
باران خزانی و دانه‌های باران که از لبه بام فرو می‌افتند
و پرندگان که شامگاه به‌بیشه باز می‌گردند.
در رواق جنوبی و نور پریده خورشید
لمیده بر تخت، تنبل و رهایم.

بدرود با مردمان هانگ‌جو

صف بزرگان و افسرانی که برای بدرود بر جاده ایستاده‌اند
و قرابه‌های شراب بر میزی که برای مراسم بدرود فراهم شده است.
در فرمانروائی بر شما چنان چون شائو گونگ* نبودم
سرشک تند شما برای چیست؟
مردمان فقیر و مالیات سنگین بود
زمین‌ها خشک و دهقانان گرسنه
تنها کار من ساختن سدی بود بر دریاچه -
و همراهی با شما در سالی که کارها به‌مراد نبود

[نشسته در شب

در پرتو چراغ کنار پنجره جنوبی می‌نشینم
تاریکی و صدای تگرگ و باد:
شب ژرف روستا و تنهائی
صدای غاز و وحشی گمشده...]**

سند ۸

کار يك کارگزار سودینگ - بو (از ۱۰۳۶ تا ۱۱۰۱) از گزارش به‌رئیس دادگاو بخش، درباره
بازداشتن والدین از کشتن نوزادان ناخواسته

برطبق قانون مردی که آگاهانه فرزندان خود را بکشد به‌يك یا دو سال کار اجباری محکوم
می‌شود. شایسته است که مسؤولان روستاها از الزامی بودن این قانون آگاه شوند. به‌علاوه می‌توان با
گرفتن جریمه نقدی از والدینی که فرزندان خود را می‌کشند و دادن آن به‌گوینده خبر، او را مورد
تشویق قرار داد.

شایسته است از کارگزاران خود بخواهید خانواده‌های ثروتمند را فرا بخوانند و از آنان
تقاضای کمک کنند. اگر والدین فقیر نمی‌توانند از فرزندان خود نگهداری کنند باید با دادن پول و
هدیه آنان را یاری کرد. انسان فاقد احساس نیست... انسان را از چوب و سنگ نساخته‌اند و هر کس
از این که فرزندان او را نجات دهند خشنود می‌شود.

در يك سال خشکسالی بسیاری از والدین به‌ناچار فرزندان خود را رها کردند. من توانستم با
گردآوری پول و برنج یتیمان را غذا بدهم. چندین هزار بسته برنج گردآوری کردم و هر خانواده‌ئی که
از يك یتیم نگهداری می‌کرد می‌توانست هر ماه ۶ بسته برنج دریافت دارد. يك سال بعد خانواده‌هائی
که سرپرستی یتیمان را به‌عهده گرفتند بدانان علاقمند شدند و یتیمان برای خود خانه‌ئی یافتند. و

* شاه افسانه‌ئی.

** از شعر چین دفتر اول.

چنین بود که من توانستم چندین دوجین کودک را نجات دهم.

سند ۹

مشغولیات فرهیختگان شن‌فو فرهیخته تهیدست متولد ۱۷۶۳ از خود سخن می‌گوید

در روزهای بلند تابستان به‌هنگام بیکاری به‌برگزاری امتحانات می‌پرداختیم. گردهم جمع می‌شدیم و هریک ۲۰۰ سکه برای اجرای امتحانات پرداخت می‌کردند. پول را برای برگزاری آزمایش و پرداخت به‌آزمایش‌کنندگان گردآوری می‌کردیم. مسؤول امتحانات يك بيت شعر هفت کلمه‌ئی و يك بيت شعر ۵ کلمه‌ئی را مطرح می‌کرد و هریک از ما باید. دو شعر پنج کلمه‌ئی و هفت کلمه‌ئی از این کلمات بپردازیم. زمان انجام این کار به‌اندازه سوختن يك بت چوبی چینی بود. بعد از پایان امتحان کاغذها را جمع می‌کردند و گزارشگر امتحان اشعار را دردفتری ثبت می‌کرد و دفتر را به‌مسؤول و برگزارکننده امتحان می‌داد و این کار بدان سبب انجام می‌شد تا حق کسی ضایع نشود. سه شعر از اشعار هفت کلمه‌ئی و سه شعر از اشعار پنج کلمه‌ئی به‌عنوان بهترین اشعار انتخاب می‌شد. صاحب بهترین شعر برگزارکننده امتحانات در نوبت بعد بود. هر کس که شعر او دارای دواشتباه بود باید ۲۰ سکه جریمه می‌داد و کسی که شعر او دارای يك خطا بود ۵ سکه پرداخت می‌کرد. برگزارکننده امتحانات ۱۰۰ سکه مزد دریافت می‌کرد، گاهی از پولی که گردآوری شده بود دريك روز ده بار امتحان می‌دادیم و سرانجام از پول باقیمانده و پول جریمه‌ها که در حدود ۱۰۰ سکه بود شراب می‌خریدیم و يك ضیافت شرابخواری روبه‌راه می‌کردیم.

سند ۱۰

نقد فرهیخته جنگ پان‌چیانو (از ۱۶۹۳ تا ۱۷۶۵) فرهیخته، شاعر، نقاش و رئیس دادگاه بخش از فرهیختگان می‌گوید که چگونه با خودخواهی وظایف خویش را فراموش می‌کردند

فرهیختگان را طبقه‌ئی بالاتر از دهقانان می‌دانند چرا که تصور بر این است که در خانه پسرانی خوب، و در بیرون خانه مردان مؤدبی هستند و پاسدار فرهنگ و سنت‌هایند. ما فرهیختگان اگر موفق شویم می‌توانیم برای دیگران مفید باشیم و اگر شکست بیابیم می‌توانیم سرمشق خوبی برای مردمان باشیم.

اما همیشه چنین نیست. به‌محض آن که کسی کتابی در دست می‌گیرد به‌سودای شرکت در امتحانات و پیروزی گرفتار می‌شود، سودای به‌دست آوردن کارگزاری دولت، اندوختن ثروت و خرید خانه‌های نیکو. آنان که در این مسیر موفق نمی‌شوند وضع بدتری دارند. آنان با سری کوچک و چشمانی هیز، سربار مردم روستا می‌شوند. بسیاری نیز شخصیت خود را حفظ می‌کنند و در هر کجا هستند اعتبار خود را حفظ می‌کنند.

سند ۱۱

آئین بودا این نخست از مراسمی که به‌افتخار ۷۲ قدیس بودایی در روزگار قدرت بودیسم برگزار می‌شد و بعد از آزار بودانیان توسط یکی از امپراتوران داتویست، سخن می‌گوید

۱. تصاویر ۷۲ قدیس را بر دیوارهای تالار آویخته بودند. پرچم‌های پربها، جواهرات الوانی که از سراسر جهان گردآوری شده بود و قالی‌های رنگارنگی که کف تالار را زینت می‌داد دارای

شکوه و جلالی خاص و همه جا پر بود از گل، چراغ، بخورهای عالی، جای، دارو و غذاهائی که فدیة قدیسان بود.

سحرگاه رهروان انجمن می‌کردند. رهروی یا کوبیدن سنج نام حامیان معبد و هدایائی را که فرستاده بودند اعلام می‌کرد، بعد نام قدیسان را بر زبان جاری می‌ساخت و از آنان طلب رحمت می‌نمود؛ نام هر قدیسی که بر زبان رهرو جاری می‌شد رهروان دیگر با او همخوانی می‌کردند و چنین می‌خواندند: «باشد که به نیکخواهی بر ما رحمت آوری و با شرکت در این نشست فدایای ما را دریافت داری».

۲. امپراتور فرمان داده بود اشیاء کمیاب، گنجینه‌ها، جواهرات، طلا و نقره دیر توقیف و توسط کارگزاران و مسوولان به دربار امپراتوری ارسال گردد. بعد طی فرمان دیگر وسائل مسی، زنگ‌ها، دیگچه، ناقوس و آنچه را رهروان به کار می‌بردند گردآوری و در انبارهای دولتی انباشتند. حال زنان و مردان رهرو بودائی تهیدست و نسبت به همه چیز بدبین و دارای احساسات ضدینی شده‌اند. مشقات آنان عظیم و آنان را نه پوشاکی برای پوشیدن است و نه غذائی برای خوردن.

سند ۱۲

وظیفه پسر نسبت به والدین کنفسیوس

مرد جوان تا روزی که در خانه است باید وظیفه اطاعت از والدین را به جا آورد و در خارج خانه، بزرگان را محترم بدارد.

کارها را جوانان انجام می‌دهند و هم آنان بزرگ‌تران را به هنگام فراهم شدن غذا و شراب خدمت می‌کنند.

وقتی والدین پیشنهاد مفید پسر را نمی‌پذیرند درستی نباید کرد و پیشنهاد را باید به زمان دیگری موکول کرد. پسر حتی در برابر تنبیه شدن از جانب پدر لب به شکایت نمی‌گشاید.

منسیوس

نگهداری از والدین تا آنگاه که زنده‌اند نه تنها شایسته که مهم‌ترین کار است؛ پس از مرگ والدین نیز باید آنان را محترم داشت.

چنین است وظیفه تردیدناپذیر فرزند نسبت به والدین: از غفلت، تنبلی، خست در فراهم آوردن نوشیدنی و وسیله آسایش والدین، جانبداری از همسر و هر آنچه سلامت والدین را به خطر اندازد باید دوری جست.

سند ۱۳

تنبیه فرزند گزیده از يك داستان مربوط به سده هجدهم درباره زندگی خانوادگی در چین. در این داستان مادر بزرگ جی‌جنگ، پدر بائو- یو را از تنبیه پسر تا سرحد مرگ باز می‌دارد. تنبیه فرزندان در جامعه چینی از حقوق بی‌چون و چرای پدر بود

جی‌جنگ از خطای فرزند دیوانه شده بود. جی‌با به‌خادمان خود فرمان داد «دهانش را ببندید و تا سرحد مرگ تنبیهش کنید» و نوکران نیمکتی آوردند و بائو- یو را بدان بستند و با عصائی سنگین شروع به زدن او کردند. جی‌جنگ عصا را از آنان گرفت و با تمام نیرو شروع به زدن بائو یو نمود.

ناگاه فریاد اعتراض مادر بزرگ بلند شد و جیاجنگ به جانب مادر شتافت. جیا در برابر مادر به زانو در آمد و گفت «پسر شما پسر خود را تنبیه می کند تا افتخار خانواده را و حرمت آن را نگاه دارد». و مادر بزرگ بی توجه به او گفت «البته فرزند را باید تنبیه کرد، اما باید بدانیم که چه وقت تنبیه را متوقف کنیم»...

سند ۱۴

پرورش دختر فوشوان (از ۲۱۷ تا ۲۷۸) شعر زیر درباره نقش فروتنانه دختران چینی است که بر طبق سنت در سنین کم مجبور به ازدواج با کسی بودند که پدر و مادر به عنوان شوهر برای آنان انتخاب کرده بود

چه غم انگیز است به کالبد يك دختر در آمدن
هیچ چیز چنین ارزان به چنگ نمی آید.
وقتی دختری زاده می شود هیچ کس خرسند نیست،
چرا که با زادن او خانواده ذخیره ثنی برای خود نمی اندوزد.
دختر نورسیده از دیدار سیمای مرد وحشت دارد
و در اتاق خود همیشه پنهان می شود.
وقتی دختر به خانه شوهر می رود کسی گریان نیست
چنان چون ابری که از باریدن باز مانده باشد.
دختر دندان بر لب می فشارد -
سر خود را خم می کند و با دست چهره را می پوشاند.
خم می شود و تعظیم می کند بارها و بارها
در برابر مستخدمان هم باید متواضع بود.
عشق شوهر به زن به زودی پایان می یابد و چون ستاره ثنی دور می شود
و زن گل آفتابگردانی است که به ستاره و به بالا می نگرد.
عشق آنان چنان چون آب و آتش می شود
و يك صد اهریمن بر دختر انبوه می شوند.
چهره زن تغییرات سالیان را در خود می گیرد
و سرور او به جست و جوی لذت های تازه می شتابد.

سند ۱۵

مادر شوهر عبوس و سخت گیر از شاعر ناشناس سده پنجم میلادی درباره عروس جوانی که از

مادر شوهر عبوس و سخت گیر با شوهر خود سخن می گوید
که از دل واپسی و اندوه دلم فارغ نبود
و تو، مدام در شهر بزرگ -
بی توجه به هر چیز پیوسته به کار دیوانی خود مشغول بودی.
در اتاق عروس تنها رها شده بودم
و جز گه گاه ما را دیداری نبود.
هر روز به بانگ خروس کنار دستگاه بافندگی می نشستم
و شب همه شب رنجور و بی خواب می ماندم.
به سه روز پنج تکه پارچه را می بافتم

و یگانه بزرگ [مادرشوهر] هنوز هم مرا کند و تنبل می‌نامید.
شوهرم! سرزنش من به‌خاطر کاهلی نبود
و بدین دلیل بود که زن بودن در خانه تو را مشکل یافتم.
مرا یارای انجام وظیفه نیست
ماندن به‌خاطر در خانه تو بودن بی‌فایده است.
پس با بانوی خانه سخن بگو

و بگذار پیش از آن که دیر شده باشد به‌خانه خود بازگردم.
شوهر با مادر خود صحبت می‌کند، اما مادر حسود، عروس را تنبل می‌داند و خواستار طرد او از
خانه است. در چین باستان پسر موظف بود جانب والدین را بگیرد و بدین دلیل زن به‌خانه پدری باز
می‌گردد و پدر و مادر او را به اجبار و بدون توجه به‌خواست او به‌دیگری شوهر می‌دهند. و زمانی که
شوهر نخستین پشیمان به‌سوی او باز می‌گردد زن او را سرزنش می‌کند:
با من چنین سخن گفتن چرا؟
من و تو هر دو به‌ناچار برخلاف خواست خود رفتار کردیم؛
تو و من هر دو خطا کاریم
باشد که در دیار مردگان یکدیگر را باز ببینیم و در کنار تو بمانم

سند ۱۶

هانگ‌جو مارکوپولو سیاح و بازرگان ایتالیائی در سال‌های ۱۲۷۵ تا ۱۲۹۲ به‌چین سفر کرد و با دیدار
هانگ‌جو آن را زیباترین شهر جهان نامید، جایی که مردمانش لباس ابریشمین می‌پوشیدند و خیابان‌های آن همه
سنگفرش و آجرفرش بود

بازار هر هفته سه روز مردمانی که شمار آنان به ۴۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ نفر می‌رسید به بازارها می‌شتابند
و لوازم مورد نیاز خود را از هر آنچه بتوان خواست خریداری می‌کنند. در این بازارها حیوانات و
پرندگان گوناگونی یافت می‌شود: گوزن نر، گوزن زرد، خرگوش و خرگوش صحرائی، کبک شکاری،
قرقاول، ماکیان، غاز، اردک و آنچه که در خاطر نمی‌ماند. در اینجا کشتارگاه‌هایی است که گاو، ووزاو،
گوساله، بزغاله، بره را به‌وفور کشتار می‌کنند تا گوشت آن‌ها زینت بخش سفره ثروتمندان باشد.
سبزی و انواع میوه در تمام فصول به‌وفور یافت می‌شود و هر روز انواع ماهی را از دریا، رود و دریاچه
صید می‌کنند و بدین بازارها می‌آورند.

قانون و نظم

افسران و پاسداران خان بزرگ [امپراتور] در دو عمارت بزرگ به‌کار خود مشغولند. آنان
بی‌درنگ از مشاجرات و اختلافات بین بازرگانان و مردمان شهر آگاه می‌شوند. وظیفه آنان نظارت بر
انجام وظیفه محافظان پل‌ها و کیف‌گناهکاران است.

مراسم تدفین

در خانواده‌های ثروتمند بعد از مرگ هر فرد، خویشان او در حالی که لباس عزا پوشیده‌اند
تابوت را تا گورستان و جایی که تن مرده را می‌سوزانند همراهی می‌کنند و در آنجا مراسم سوختن با
ساز و نوا همراه است. به‌هنگام سوختن مرده خویشان او کاغذهایی را در آتش می‌افکنند که بر این
کاغذها تصویر خادمان، اسبان، شتران و نیز پول طلا و نقره نقش شده است، و عقیده بر آن است که
آنچه را که بر مرده می‌سوزانند در جهان دیگر به‌دست می‌آورد.

بار امپراتور چی ئین لونگ لرد مکارتنی نخستین سفیر بریتانیا در دربار چین ۱۷۹۳
 امپراتور در تخت روان رو بازی که توسط شانزده نفر حمل می شد همراه با افسرانی که پرچم
 سواره نظام و چتر در دست داشتند وارد شدند. همگان به سجده در آمدند و وقتی تخت روان رو به روی
 ما رسید بانهادن يك زانو بر زمین نسبت به او ادای احترام کردیم. باجلوس امپراتور برتخت درحالی که
 صندوق طلاي بزرگ و الماس نشانی را که نام [نامه پادشاه بریتانیا] بر روی آن قرار داشت حمل
 می کردیم به کله امپراتور رفتیم. نخستین هدیه امپراتور برای پادشاه [بریتانیا] عصای زیبایی از یشم
 بود.

بعد روپوش هارا از میزها برداشتند و ضیافت شکوهمند آغاز شد. امپراتور از میز خود چند ظرف
 غذا، شراب برنج و گیاهان خوشبو و عسل برای ما فرستاد. نظم و ترتیب و گردش خادمان برای توزیع
 غذا شگفت انگیز بود و هر يك از کارها چنان با نظم و در سکوت برگزار می شد که گوئی در يك مراسم
 راز انگیز مذهبی شرکت جسته ایم.

فرمان امپراتور چی ئن لونگ به بربرها در نظر امپراتور چین، بریتانیایی ها بربر بودند و از آنان
 انتظار داشت که به هنگام باریابی هدایای خود را تقدیم کنند و از یافتن امتیاز تجارت در کانتون خرسند باشند

نپذیرفتن نماینده تجارتی بریتانیا

درخواست شما برای اعزام نماینده به دربار آسمانی و تصویب اعتبارنامه او و نیز تقاضای
 کنترل تجارت چین از جانب کشور شما با عرف سلاله من مغایرت دارد و پذیرفتنی نیست. اما از آنجا
 که تولیدات چای، ابریشم و چینی آلات امپراتوری آسمانی مورد نیاز ملت های اروپائی است به نشانه
 لطف به شما اجازه داده ایم تا احتیاجات خود را از بنگاه های بازرگانی با بیگانگان - مجتمع های
 تجارتی چین - که در کانتون تأسیس خواهد شد تهیه نمائید...

بی نیازی چین از اشیاء خارجی

بدان سان که سفیر شما در اینجا ناظر است... در اینجا ما همه چیز داریم... بدین سان نیازی
 به مصنوعات بی ارزش بربرها نداریم... ای پادشاه! شایسته است [وظیفه شما است] که نیات ما را
 محترم بدارید و در آینده با فرمانبرداری دلیستگی و صمیمیت خود را نشان دهید، باشد که صلح و
 سعادت را برای کشور خود تأمین نمائید.

نیرومند کردن خود از تذکارلی - هونگ جیانگ به امپراتور در سال ۱۸۷۲ بعد از شکست چین از
 کشورهای غربی؛ و درباره لزوم نیرومند شدن چین با آموزش از غرب

راه نیرومند کردن خود در آموزش آنچه آنان [ملت های غربی] در آن توانا و بدان متکی هستند
 نهفته است. اگر به راستی و کاملاً بتوانیم از روش های آنان آگاه شویم - هرچه بیش و بیش تر
 بیاموزیم پیشرفت ما بیش تر خواهد بود - و روش آموخته شده را ترویج نمائیم، آیا نمی توان انتظار
 داشت که بعد از يك قرن یا در همین حدود بتوانیم بر پای خود بایستیم و بربرها را از خود برانیم؟

زنگنه مازيار

بها ۳۵ ريال

